

## قواعد کشف غرض سوره‌های قرآن با مطالعه موردی سوره نبا

محمد خامه‌گر \*

DOI: 10.22096/RC.2021.244785

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۵]

### چکیده

در میان مفسرانی که به وجود غرض واحد در هر سوره اعتقاد دارند، دو رویکرد توصیفی و استدلالی برای شناسایی غرض سوره وجود دارد. در رویکرد استدلالی، مفسر تلاش می‌کند با تکیه بر شواهد درون‌متنی و برون‌متنی سوره، غرض سوره را کشف و کیفیت راهیابی خود را به غرض سوره به‌طور مستدل و ضابطه‌مند بیان نماید. برای کشف غرض سوره، باید با رعایت قواعد و ضوابطی که بر اصول محاوره عقلایی مبتنی هستند، چهار مرحله طی شود. در مرحله اول با توجه به اصول و قواعد شناسایی پیوستگی متون، آیات سوره گفتاربندی می‌شوند و در مرحله دوم با توجه به کیفیت ارتباط آیات هر گفتار و جهت‌گیری محتوای آنها، گفتارهای سوره عنوان‌گذاری می‌شوند و در مرحله سوم با جمع‌بندی عناوین گفتارها و بررسی عناصر درون‌متنی و برون‌متنی غرض سوره کشف می‌شود و در مرحله چهارم با نقد و بررسی سایر دیدگاه‌ها درباره غرض سوره، از غرض کشف شده دفاع می‌شود. در این مقاله قواعد طی نمودن مراحل چهارگانه کشف غرض سوره به روش علمی و استدلالی بیان شده است و سپس برای نمونه غرض سوره نبا با طی نمودن چهار مرحله فوق تبیین شده است.

**واژگان کلیدی:** هدفمندی سوره‌ها؛ روش کشف ساختار سوره؛ روش کشف غرض سوره؛ غرض سوره نبا.

\* استادیار گروه قرآن و مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

## مقدمه

نظریه هدفمندی سوره‌های قرآن و تلاش برای کشف غرض سوره‌های قرآن در سال‌های اخیر مورد توجه خاص قرآن‌پژوهان قرار گرفته است. اختلاف آرای مفسران در کشف و ارائه غرض اصلی سوره‌ها، معیارهای کشف غرض سوره را با شک و تردید همراه ساخته و کارآمدی این ابزارها برای دستیابی به غرض اصلی سوره‌ها را نزد گروهی از محققان مخدوش کرده است.<sup>۱</sup> برای آنکه این‌گونه تردیدها و شبهات نتواند جریان علمی نگرش هدفمند به سوره‌های قرآنی را به وقفه دچار نماید و معیاری علمی برای کشف غرض سوره‌ها ارائه شود که بر پایه آن بتوان میان غرض‌ها و ساختارهای ارائه‌شده درباره یک سوره داوری نمود، لازم است اصول و قواعد مراحل کشف غرض سوره‌ها به روشی علمی و استدلالی تبیین شود. توجه جدی به کشف استدلالی غرض سوره‌ها و تأکید بر آنکه هدف هر سوره باید اساس فهم آیات تلقی شود، در قرن چهاردهم هجری با نگارش سه تفسیر: المیزان، فی ظلال القرآن و الأساس فی التفسیر افزایش یافت. در این تفاسیر بیشترین توجه به روشمند کردن دسته‌بندی آیات بوده است، ولی همه عناصر مؤثر بر کشف غرض سوره به‌طور کامل مورد توجه کامل این مفسران گران‌قدر نبود.

رویکرد جامع در کشف استدلالی غرض سوره با نگارش کتاب ساختار هندسی سوره‌های قرآن آغاز<sup>۲</sup> و با تلاش گسترده آقای محمدحسین الهی‌زاده و نگارش مجموعه کتاب‌های تدبر در قرآن تکمیل شد؛ در این کتب کشف غرض سوره با استفاده از روش دسته‌بندی آیات به شیوه کاملاً علمی و مستدل ارائه شده است.<sup>۳</sup> و در نهایت با تدوین کتاب اصول و قواعد کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن همه مراحل کشف غرض سوره‌های قرآن به روش علمی و ضابطه‌مند بیان شد.<sup>۴</sup>

این مقاله در دو بخش، به قواعد مراحل کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن و نیز مطالعه موردی کشف غرض سوره نبأ می‌پردازد.

## مبحث اول: مراحل کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن

کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن چهار مرحله دارد که در ادامه قواعد هر مرحله تبیین می‌شود.

۱. نك: حسینی، ۱۳۹۴: ۲۰.

۲. نك: خامه‌گر، ۱۳۸۳: ۱۱۹-۲۰۴.

۳. نك: الهی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۱۶-۱۶۵.

۴. نك: خامه‌گر، ۱۳۸۳: ۱۰۴-۴۶۰.

### مرحله اول: شناسایی پیوستگی آیات و سیاق‌بندی آیات سوره

نخستین گام برای شناسایی ساختار سوره‌ها، بررسی کیفیت پیوستگی و گسستگی آیات در چارچوب انسجام سوره به‌عنوان یک متن واحد است. به این منظور باید با توجه به عوامل لفظی و معنایی به شناسایی سیاق‌های سوره و دسته‌بندی آیات پردازیم. برای تحقق این هدف باید سه گام مهم برداشته شود. در این نوشتار این گام‌ها به اختصار بیان شده است و برای آشنایی دقیق و مفصل با مراحل مختلف سیاق‌بندی آیات سوره باید به کتاب اصول و قواعد کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن مراجعه نمود.

### گام اول: شناسایی میزان پیوستگی لفظی آیات هم‌جوار

نخستین گام برای شناسایی پیوستگی دو آیه بررسی عوامل پیوستگی لفظی میان دو آیه است. این عوامل که دو آیه را به هم متصل می‌کنند سه دسته‌اند:

دسته اول، اسماء و حروف ربط‌دهنده مانند: ادات استفهام، «إذ» شرطیه، «إذا» فجائیه، «ألا» تشبیه، «إلا» استثنائیه، «أم» متصله، «أما» تفصیلیه، «إما» عاطفه، «أن» تفسیریه، «أو» عاطفه، «بل» اضرایبه ابطالی، حرف جواب «بَلَى»، «ثُمَّ» عاطفه ترتیبی، «فاء» عاطفه و تفریعی، حروف «كَلَّا»، «لكن»، «لولا»، «لولا»، ضمائر غایب و «واو» عاطفه.

دسته دوم از عوامل پیوستگی لفظی، ساختارهای نحوی است که ارکان آنها از نظر لفظی و معنایی به یکدیگر وابسته هستند و اگر یکی از آنها در یک آیه قرار بگیرد و دیگری در آیه بعد باشد، موجب پیوستگی آیات می‌شود، مانند: مبتدا و خبر، فعل و فاعل، فعل و انواع مفعول، ظرف و مظروف، حال و ذوالحال، صفت و موصوف، عطف بیان، بدل و مبدل منه، مستثنی و مستثنی منه، اسم اشاره و مشاؤلیه، فعل شرط و جواب آن، فعل امر و جواب آن، قسم و جواب آن.

دسته سوم از عوامل پیوستگی لفظی تکرارهای اسلوبی است که مهم‌ترین و رایج‌ترین آنها عبارت‌اند از: تکرار یک لفظ در آغاز آیات، تکرار یک عبارت در پایان آیات، تکرار یک کلمه در میانه آیات، تکرار واژه پایانی یک آیه در ابتدای آیه بعد، تکرار کامل برخی آیات به روش ترجیع‌بند، تکرار فواصل آیات.

### گام دوم: شناسایی میزان پیوستگی معنایی آیات هم‌جوار

دومین گروه از عوامل پیوستگی آیات عواملی هستند که بیانگر پیوستگی محتوایی و ارتباط بی‌دری می‌فاهیم آیات است. آیات مختلف یک سوره تنها در صورتی می‌توانند در یک سیاق قرار بگیرند و

یک گفتار را تشکیل دهند که از نظر محتوایی متمم یکدیگر باشند. گرچه این دسته آیات معمولاً از نظر ادبی نیز به هم پیوسته‌اند اما اگر پیوستگی ادبی و اسلوبی هم میان آنها نباشد وجود رابطه معنایی میان آیات امری ضروری است و بدون این ارتباط مجموعه آیات به عباراتی پراکنده و فاقد معنای منسجم تبدیل می‌شوند. در یک تقسیم‌بندی کلی عوامل پیوستگی معنایی را به دو دسته می‌توان تقسیم‌بندی نمود:

دسته اول از عوامل پیوستگی معنایی عواملی هستند که تنها در حد مرتبط کردن دو آیه هم‌جوار کاربرد دارند؛ این عوامل به‌طور معمول بیانگر ارتباط بخشی از آیات یک گفتار هستند. مهم‌ترین عوامل این دسته عبارت‌اند از: تمثیل، تطبیق، تعلیل، تبیین، تفصیل، تقييد، تخصیص، تعمیم، تضاد، تطهیر، تفریح، استطراد، حُسن تخلص، حُسن مطلب، مراعات النظیر، لَف و نشر، تقسیم، جمع، تفریق، سلب و ایجاب و مشاکله.

دسته دوم از عوامل پیوستگی معنایی، عواملی است که ارکان یک ساختار معنایی را تشکیل می‌دهند و یک گفتار مستقل را به‌وجود می‌آورند. مراد از ساختار معنایی یک مفهوم کامل است که از ترکیب چند جزء با یکدیگر تشکیل می‌شود. مهم‌ترین ساختارهای معنایی در قرآن کریم به شرح زیر است: سؤال و جواب‌های آن، شبهه و جواب‌های آن، نقد يك عقیده باطل، مدعا و دلایل آن، صحنه‌های یک داستان، مصادیق یک عنوان کلی، انواع پاداش‌ها یا کیفرهای یک گروه، فروع مختلف یک موضوع فقهی، وظایف مختلف یک فرد یا گروه، مراحل وقوع یک حادثه، تقابل و تضاد.

#### گام سوم: کشف سیاق‌های سوره

عوامل پیوستگی آیات موجب می‌شود که مجموع آیات سوره‌های قرآن به دو حالت با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. حالت اول این است که همه آیات سوره با یکدیگر مرتبط شده و معنای منسجم واحدی را بیان کنند، مانند: سوره‌های توحید، عصر، کوثر، فلق، علق که هرکدام از يك سیاق تشکیل شده‌اند و همه آیات آنها یک گفتار واحد را به‌وجود می‌آورند. حالت دوم این است که با توجه به عوامل پیوستگی، آیات هر سوره را به چند دسته تقسیم کنیم تا هر دسته از آیات یک سیاق را تشکیل دهند و بدین ترتیب مجموع آیات سوره چندین گفتار مستقل را به‌وجود آورند؛ در این صورت برای ساختار بندی سوره و کشف غرض آن لازم است قبل از هر اقدامی با رعایت قواعد زیر، سیاق‌های سوره را شناسایی و از یکدیگر تفکیک نمود. البته در این نوشتار، هر سیاق گفتار نامیده می‌شود.

### قاعده اول: اثبات ارتباط لفظی و معنایی آیات هر سیاق

آیات موجود در هر گفتار از نظر محتوایی باید متمم یکدیگر و از نظر ادبی نیز به هم پیوسته باشند. از این رو برای شناسایی گفتارهای هر سوره باید با توجه به عوامل پیوستگی لفظی و معنایی، کیفیت ارتباط آنها را با یکدیگر تحلیل نمود و شایستگی قرار گرفتن آنها در یک سیاق واحد را اثبات کرد. برای نمونه، آیات ۱ تا ۴ سوره انسان را باید در یک سیاق قرار داد: (هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً (۱) إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعاً بَصِيراً (۲) إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِراً وَ إِمَّا كَفُوراً (۳) إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَابِلَ وَ أَغْلَالاً وَ سَعِيراً (۴)) برای اثبات این نکته که این آیات یک کلام واحد و منسجم را تشکیل می‌دهند باید این‌گونه استدلال نمود.

آیه دوم به جهت اینکه پاسخی به استفهام مطرح شده در آیه نخست است، با آن ارتباط محتوایی دارد و همین ارتباط عامل اتصال سیاقی است. آیه سوم افزون بر اینکه با آیه دوم وحدت اسلوبی دارد و هر دو با اسلوب (إنا + فعل ماضی متکلم مع الغیر) آغاز شده‌اند از نظر محتوایی نیز ادامه پاسخ به استفهام مطرح شده در آیه نخست است؛ یعنی ادامه سیری است که در آیه دوم آغاز شد؛ زیرا آیه دوم با عبارت «فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعاً بَصِيراً» پایان یافت، که مبین فراهم‌سازی مقدمات پذیرش هدایت تشریحی در وجود انسان است و این آیه با «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ» آغاز شد، که از اصل هدایت تشریحی انسان از سوی خداوند خبر می‌دهد و به لحاظ تفرع هدایت بر مقدمات هدایت، می‌توان آیه سوم را از نظر محتوایی متفرع بر آیه دوم دانست. آیه چهارم، هم از نظر اسلوبی با دو آیه پیش همسان است و با اسلوب (إنا + فعل ماضی متکلم مع الغیر) آغاز شده است و از نظر محتوایی هم ادامه آیه سوم است؛ چون در انتهای آیه سوم آمده بود: «إِمَّا شَاكِراً وَ إِمَّا كَفُوراً»، و این آیه سرنوشت انسان‌های کفور را مشخص می‌کند: «إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ»<sup>۱</sup>.

### قاعده دوم: اثبات وجود یک ساختار معنایی در یک سیاق

برای تشکیل یک سیاق لازم است مجموع آیات هر سیاق افزون بر ارتباط لفظی و معنایی با یکدیگر، یک ساختار معنایی مانند: سؤال و جواب، صحنه‌های یک داستان، فروع مختلف یک حکم شرعی و غیره را نیز با هم تشکیل دهند. گفتنی است وجود ساختار معنایی رکن اصلی شکل‌گیری یک گفتار است؛ از این رو تا زمانی که ساختار معنایی گفتار کامل نشده است، سیاق گفتار همچنان ادامه خواهد داشت، هر چند ارتباط لفظی آیات با یکدیگر قطع شود. از این رو در پایان استدلال‌های ارائه شده درباره ارتباط آیات یک سیاق باید به ساختار معنایی که به وسیله

آنها تشکیل شده نیز اشاره شود. برای نمونه درباره ساختار معنایی آیات ۱ تا ۴ سوره انسان می‌توان گفت: این آیات ساختار سوال و جواب دارند؛ زیرا آیه اول سؤال است و سه آیه بعد به منزله جواب آن است.<sup>۱</sup>

#### قاعده سوم: اثبات انفصال سیاق جدید از سیاق قبل

برای شناسایی گفتارهای هر سوره هم باید به عوامل پیوستگی درونی آیات در یک سیاق توجه نمود و هم به عوامل گسست آن از سیاق‌های مجاور عنایت داشت. به دلیل آنکه آیات يك سیاق از نظر ادبی و معنایی با هم مرتبط‌اند، ب سیاق جدید زمانی آغاز می‌شود که بتوان گسست یک آیه را از آیات قبل اثبات نمود و نشان داد که این آیه از آیاتی که در گفتار قبل قرار دارند گسست موضوعی و ادبی دارد. معمولاً قطع ارتباط ادبی آیات نشانه اولیه پایان یک سیاق است؛ اگر این گسست با پایان یافتن یک ساختار معنایی و شروع ساختار معنایی جدید همراه شود دلیل کاملی برای شکل‌گیری یک سیاق جدید است.

#### مرحله دوم: عنوان‌گذاری سیاق‌های سوره

پس از کشف ارتباط آیات و شناسایی محدوده سیاق‌ها و گفتارهای سوره، نوبت به کشف جهت‌گیری هر گفتار و عنوان‌گذاری آنها می‌رسد. از آنجا که آیات هر گفتار از سیاق لفظی و معنایی واحدی برخوردار هستند، با توجه به این سیاق و جهت‌گیری محتوایی آیات، باید مقصود و پیام اصلی هر گفتار را درک کرد و عنوان مناسبی برای آن در نظر گرفت. با توجه به چگونگی ارتباط آیات درون گفتارها روش دستیابی به مطلب کانونی هر گفتار با دیگری متفاوت خواهد بود. ارتباط آیات درون گفتارها ممکن است به یکی از دو حالت طولی یا عرضی باشد. تعریف هر یک از این حالات و روش عنوان‌گذاری آنها به شرح زیر است:

#### حالت اول: قواعد عنوان‌گذاری گفتارهای طولی

ارتباط طولی آیات یک سیاق، در جایی است که یک یا چند آیه در گفتار، اصل باشد و سایر آیات در طول آن قرار داشته و متفرع بر آن باشند. چنین رابطه‌ای در اکثر موارد در جایی رخ می‌دهد که مجموع آیات گفتار با یکدیگر یک ساختار نحوی را تشکیل بدهند، مانند: شرط و جزا، قسم و جواب قسم؛ در برخی موارد نیز گفتارهای طولی از یک ساختار معنایی که یکی از ارکان آن اصل و دیگری فرع است به وجود می‌آید، مانند: ساختارهای معنایی شبهه و پاسخ آن، که در این حالت شبهه مطرح شده نکته اصلی سیاق گفتار است. در مواردی که ساختار یک گفتار از آیات اصلی و

۱. نك: الهی‌زاده، ۱۳۹۳: ۲ / ۷۷.

قواعد کشف غرض سوره‌های قرآن با مطالعه موردی سوره نبا / خامه‌گر ۳۰۹

فرعی تشکیل شده باشد، برای کشف مطلب کانونی سوره و انتخاب عنوان مناسب برای گفتار باید به محتوای آیه‌ای که اصل است توجه نمود.

معیار تشخیص رکن اصلی از فرعی در ساختارهای نحوی و معنایی، این است که براساس عرف عقلا مراد اصلی متکلم در هر ساختار کدام رکن آن است؛ برای مثال در عرف عقلا «قسم» وسیله‌ای برای تأکید بر محتوای جواب قسم است و هرگاه متکلمی بخواهد بر امری تأکید کند، بر آن سوگند یاد می‌کند. بنابراین «جواب قسم» اصل سخن او را تشکیل می‌دهد و بیانگر مراد اصلی او از کلام است. در ساختار شرطیه، جواب شرط اصل است و در ساختار شبهه و جواب، شبهه مطلب اصلی است.

#### حالت دوم: قواعد عنوان‌گذاری گفتارهای عرضی

اگر آیات درون یک گفتار ضمن حفظ ارتباط معنایی با یکدیگر با ساختارهای نحوی و معنایی بر یکدیگر متفرع نشده باشند و همه آنها در یک درجه از اهمیت باشند و هر یک از آنها بخشی از یک مفهوم کلی را پوشش دهد، در این صورت ارتباط آنها با یکدیگر عرضی خواهد بود؛ زیرا از جهت لفظی و معنایی در عرض یکدیگر هستند و هیچ‌یک فرع بر دیگری نیست. در گفتارهای عرضی که مشتمل بر آیات هم‌طراز هستند، تنها راه دستیابی به غرض گفتار، شناسایی مطالب ذکر شده در هر گفتار، تعیین جهت‌گیری محتوایی هر مطلب و جمع‌بندی محتوای همه مطالب گفتار است. بدین ترتیب مفهومی کلی که جامع معنای همه آیات گفتار است، شناسایی شده و عنوان گفتار با توجه به همان معنای جامع تنظیم خواهد شد.

#### مرحله سوم: کشف غرض سوره

پس از گفتاربندی آیات سوره و مشخص نمودن عناوین گفتارها، زمینه کشف غرض سوره فراهم می‌شود. در صورتی که مانند سوره‌های کوچک قرآن تمام آیات سوره از نظر لفظی با هم مرتبط باشند و یک گفتار را تشکیل دهند از قواعدی که برای عنوان‌گذاری سیاق‌های سوره در مرحله دوم توضیح داده شد، استفاده می‌شود. ولی اگر یک سوره از چند گفتار تشکیل شده باشد، برای کشف غرض سوره‌ها باید هفت قاعده زیر را رعایت نمود:

#### قاعده اول: جمع‌بندی عناوین گفتارهای سوره

نخستین اقدام برای کشف غرض سوره، جمع‌بندی عناوین گفتارهای سوره است؛ بدین منظور ابتدا باید به روابط میان گفتارها توجه نمود؛ به این ترتیب که اگر یکی از گفتارها اصل است و گفتارهای دیگر فرع بر آن هستند، باید در عنوان‌بندی سوره به عنوان گفتار اصلی توجه کرد. در

صورتی که هر دو گفتار در عرض یکدیگر بوده و هیچ‌یک فرع بر دیگری نباشد نیز دو حالت وجود دارد: حالت نخست آن است که عناوین گفتارها در یک موضوع کلی مشترک باشند؛ و حالت دوم این است که، چنین اشتراکی میان گفتارها وجود نداشته باشد. در حالت نخست همان موضوع مشترک، غرض سوره خواهد بود در حالت دوم ترکیب عنوان گفتارها غرض سوره را تشکیل خواهد داد.

برای نمونه بررسی محتوای سه گفتار سوره جمعه نشان می‌دهد که گفتار اول و دوم مقدمه‌ای برای بیان ضرورت اهتمام به نماز جمعه است که در گفتار سوم بیان شده است؛ به این ترتیب که گفتار نخست، بعثت پیامبر و بیان احکام شرعی توسط ایشان را به‌عنوان لطف بزرگ خداوند به بندگان معرفی می‌کند تا مسلمانان ارزش و اهمیت تشریح عبادتی مانند نماز جمعه را درک کنند. در گفتار دوم بهبودیانی را که در عمل به احکام شرعی کوتاهی کردند نکوهش می‌کند تا مقدمه‌ای برای نکوهش رفتار نادرست کسانی باشد که به نماز جمعه بی‌توجهی کردند و به‌دنبال تجارت رفتند. با توجه به اصلی بودن گفتار سوم سوره جمعه نسبت به سایر گفتارها غرض این سوره را می‌توان «دعوت مؤمنان به اهتمام به نماز جمعه» دانست و با توجه به محتوای سایر گفتارها عنوانی مانند «دعوت به عمل به همه احکام دینی، به‌ویژه نماز جمعه» را برای آن در نظر گرفت.

البته در اکثر سوره‌های قرآن گفتارهای سوره در عرض یکدیگر قرار داشته، هیچ‌کدام از آنها فرع بر دیگری نیستند. در چنین سوره‌هایی معمولاً هر گفتار یکی از ابعاد یک موضوع کلی را تبیین می‌کند؛ در این صورت موضوع مشترک بین گفتارهای سوره، غرض اصلی سوره است و با توجه به آن عنوان غرض سوره را تنظیم می‌نماییم. برای نمونه سوره شمس از دو گفتار تشکیل شده است: در گفتار نخست (آیات ۱ تا ۱۰)، به عواقب فردی تزکیه نکردن نفس اشاره می‌شود. در این گفتار با سوگند به پدیده‌هایی مانند خورشید و ماه، شب و روز، آسمان و زمین و نفس انسان که دارای دو حالت متفاوت فجور و تقواست، بر این نکته تأکید می‌کند که رستگاری انسان در گروی پاکي نفس است و اگر انسان نفس خود را تزکیه نکند، از فلاح و رستگاری ابدی محروم می‌ماند.

گفتار دوم (آیات ۱۱ تا ۱۵)، به بیان عواقب اجتماعی تزکیه نشدن نفوس انسان‌ها اختصاص دارد. در این گفتار با اشاره به نابودی قوم متمدن و پیشرفته نمود در اثر گسترش مفاسد اجتماعی، بر این نکته تأکید می‌شود که علت اصلی این سرنوشت شوم آن بود که قوم نمود از فردی فاسد و شقی که نفس خود را تزکیه نکرده بود، پیروی کردند. با توجه به اینکه موضوع مشترک بین گفتارهای این سوره، مسئله «پیامدهای تزکیه نکردن نفس» است، همین عبارت به‌عنوان غرض سوره ارائه می‌شود.

### قاعده دوم: توجه به مشترکات گفتارها

برای دستیابی به غرض سوره، افزون بر توجه به عناوین گفتارها باید مشترکات لفظی و محتوایی عبارات و مطالب موجود در گفتارها را نیز بررسی نمود تا غرض کشف شده با جهت‌گیری مشترک گفتارها نیز هماهنگ بوده و بر ظواهر آیات سوره منطبق باشد و از ذهنی و انتزاعی بودن فاصله بگیرد. مراد از عناصر مشترک بین گفتارها تکرارهای لفظی و معنایی است که در لابه‌لای آیات گفتارها ذکر می‌شود. انواع «تکرار» به‌عنوان یک معیار در شناسایی مقصود گوینده و پیام اصلی متن در یک سوره ممکن است به شکل‌های مختلف مشاهده شود و هر یک به‌گونه‌ای در کشف غرض سوره به محققان کمک کند. مهم‌ترین عناصر مشترک بین گفتارها که به کشف غرض یاری می‌کنند عبارت است از: تکرار پی‌درپی و متناوب یک موضوع خاص در سرتاسر سوره مانند تکرار موضوع عفت و پاکدامنی در سوره نور؛ تکرار یک مفهوم با عبارات و تعابیر مختلف مانند تکرار مفاهیم مرتبط با مسئله وحی در سوره شوری؛ تکرار لفظی یک عبارت یا آیه مانند تکرار آیه شریفه «فبای آلاء ربکما تکذبان» در سوره الرحمن.

### قاعده سوم: بررسی عناصر درون‌متنی سوره

مراد از عناصر درون‌متنی، اجزای تشکیل‌دهنده متن و عناصر محتوایی متن است. مهم‌ترین عناصر درون‌متنی سوره که هماهنگی معناداری با پیام اصلی سوره دارند و نقش هر یک از این عناصر متنی در کشف غرض سوره بدین‌گونه است:

#### ۱- ارتباط آیات آغازین و پایانی سوره

آیات آغازین هر سوره، خلاصه‌ای از مهم‌ترین مطالب آن را بیان کرده و آیات پایانی به‌عنوان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی بر غرض اصلی سوره تأکید می‌کند. ارتباط معنادار و عمیق این آیات با غرض و مقصود اصلی سوره به‌گونه‌ای است که در بسیاری از سوره‌های قرآن، بدون مطالعه سایر آیات و تنها با توجه به آیات ابتدایی و انتهایی سوره می‌توان به غرض و موضوع اصلی سوره پی برد، مثلاً آیات نخست سوره «قلم» درباره نفی تهمت جنون از پیامبر اکرم (ص) است<sup>۱</sup> و آیات پایانی نیز مجدداً بر سخن کینه‌توزانه کفار درباره جنون پیامبر خدا اشاره می‌کند.<sup>۲</sup> در نتیجه غرض و پیام اصلی سوره نیز عبارت است از: مقابله با کسانی که به پیامبر تهمت جنون می‌زنند.

۱. (مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ).

۲. (يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ).

## ۲- سوگندهای سوره

سوگندهای قرآن بیانگر عظمت و اهمیت اموری است که به آنها سوگند یاد شده است و نشانه آن است که آنچه برای آن قسم یاد شده است، جایگاه ویژه‌ای در میان عناصر تشکیل دهنده متن سوره داشته و بخش مهمی از انتقال پیام سوره را بر عهده دارد. از این رو معمولاً در سوره‌هایی که با قسم شروع می‌شوند غرض سوره، همان جواب قسم است؛ برای نمونه پاسخ سوگند ذکر شده در ابتدای سوره صافات (وَالصَّافَّاتِ صَفًّا (۱) فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا (۲) فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا (۳) إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ (۴)) که درباره وحدانیت خداست، ارتباط بسیار نزدیکی با غرض سوره دارد که درصدد «اثبات توحید و ابطال عقاید مشرکان و برتری مؤمنان مخلص بر آنان» است.<sup>۱</sup>

## ۳- جهت‌گیری داستان‌های سوره

یکی از خصوصیات داستان‌های قرآنی، همسو بودن آنها با مطالب سوره و غرض اصلی آن است. با دقت در مضمون این داستان‌ها می‌توان به محور مشترک آنها راه یافت و آنگاه از این محور برای کشف غرض سوره یا تأیید آن سود جست؛ برای نمونه در سوره ذاریات پنج داستان از عذاب امت‌های پیشین ذکر شده است. کیفیت طرح این داستان‌های پنجگانه و نقاط برجسته همه آنها که بر تحقق وعده‌های خدا مبنی بر عذاب قطعی منکران دین با همه قدرت و شوکتشان تأکید دارند، نشان می‌دهد که در این سوره به این مسئله توجه ویژه‌ای مبذول شده است و پیام اصلی سوره همین نکته است.

## ۴- بررسی نسبت آماری تکرار واژه‌های سوره با کل قرآن

تأکید فراوان در به‌کارگیری یک واژه و مشتقات آن در یک متن نشانگر اهمیت و نقش کلیدی مفهوم آن کلمه در متن است. در سوره‌های قرآن نیز با پدیده تکرار معنادار یک واژه در بسیاری از سوره‌ها مواجه می‌شویم که با توجه به کمیت آماری کاربرد این واژگان در هر سوره می‌توان به کشف پیام‌های سوره و از جمله غرض و موضوع اصلی آن کمک نمود به این ترتیب که از میان چند غرض محتمل، غرضی را که با واژگان تکرار شده سوره هماهنگی بیشتری دارد، به‌عنوان غرض اصلی سوره تقویت نمود؛ برای نمونه کلمه «حاد» که به‌معنای مخالف شدید است، با همه مشتقاتش چهار بار در قرآن به‌کار رفته است که تنها یک بار در آیه ۶۳ سوره توبه بوده و سه بار بقیه در سوره مجادله به‌کار رفته است. در نتیجه ۷۵ درصد کاربرد این واژه در کل قرآن در سوره مجادله است. درحالی‌که این سوره سه صفحه و نیمی، تنها حجمی معادل نیم‌درصد قرآن را به خود اختصاص

۱. نك: طباطبائی، ۱۳۶۳: ۱۷/۱۷۹.

قواعد کشف غرض سوره‌های قرآن با مطالعه موردی سوره نبا / خامه‌گر ۳۱۳

داده است. آمار بسیار بالای کاربرد این واژه در سوره مجادله حاکی از آن است که محتوای این سوره بر مسئله مخالفت شدید با خدا و پیامبر تأکید ویژه‌ای دارد. بررسی محتوای این سوره نیز این برداشت را تأیید می‌کند.

#### ۵- بررسی تعداد آیات مربوط به یک موضوع در سوره

کمیت موضوعات مطرح شده در یک متن نیز یکی از نشانه‌های اهتمام مؤلف به یک پیام خاص در متن است. از این رو اگر تعداد آیات مربوط به یک موضوع خاص در یک سوره نسبت به موضوعات دیگر در همان سوره از درجه بالاتری برخوردار باشد، نشان‌دهنده آن است که آن موضوع مورد توجه ویژه خدای سبحان در نزول سوره مورد نظر بوده است؛ برای نمونه در سوره نور با شمارش آیات موضوعات مطرح شده در آن متوجه می‌شویم که ۳۳ آیه از این سوره ۶۴ آیه‌ای، درباره مسئله عفت و پاکدامنی و ابعاد مختلف آن است؛ در نتیجه بیش از ۵۰ درصد آیات سوره، به این موضوع اختصاص داده شده است. همین امر قرینه آشکاری برای نشان دادن اهمیت ویژه این موضوع در سوره نور است و با استفاده از قراین متوجه می‌شویم که غرض اصلی سوره تبیین روش نهادینه کردن فرهنگ عفت و پاکدامنی در جامعه است.

#### قاعده چهارم: بررسی عناصر برون‌متنی سوره

هر سوره قرآن افزون بر عناصر درون‌متنی، از عناصر دیگری نیز بهره‌مند است که گرچه خارج از متن سوره قرار دارند، اما بر جهت‌گیری محتوای سوره تأثیر می‌گذارند و با غرض و پیام اصلی آن ارتباط دارند. نمونه‌ای از عناصر برون‌متنی اسم سوره، فضائل سوره و فضای نزول سوره است که با کمک آنها می‌توان غرض کشف شده از طریق جمع‌بندی عناوین گفتارهای سوره را تقویت یا اصلاح کرد.

#### ۱- اسم سوره

با توجه به اینکه اسامی سوره‌ها توفیقی است و نام هر سوره قرآن ارتباط عمیق و محکمی با مقصود و غرض اصلی سوره دارد و از دیدگاه برخی مفسران اسم سوره آینه تمام‌نمای غرض سوره است،<sup>۱</sup> از این رو با توجه به اسم سوره می‌توان غرض کشف شده سوره را تا حدی ارزیابی کرد. البته اسامی برخی سوره‌ها، ارتباط صریح و آشکاری با غرض سوره ندارند، ولی اسامی برخی سوره‌ها ارتباط کاملاً روشن و مستقیم با غرض و موضوع اصلی سوره دارد، مانند سوره تکوین یا سوره اخلاص و امثال آنها؛ از این رو در مواردی می‌توان از اسم سوره به‌عنوان یک مؤید برای غرض کشف شده استفاده نمود.

۱. نك: بقاعی، ۱۴۱۵ق: ۱ / ۱۸.

## ۲- فضیلت سوره

برخی مفسران همچون یعسوب‌الدین جوینیاری صاحب تفسیر البصائر<sup>۱</sup> و بقاعی صاحب تفسیر نظم الدرر<sup>۲</sup> به تناسب و هماهنگی بین فضیلت و خواص سوره با غرض آنها گرایش یافته‌اند و در برخی موارد از فضیلت سوره برای کشف غرض آن سود جستند. مبنای استفاده از روایات فضایل در کشف غرض سوره این است که فضیلت سوره و غرض سوره هر دو تابع «محتوای سوره» هستند و غرض سوره پیام اصلی سوره و فضیلت سوره خاصیت نهایی آن است.

## ۳- فضای نزول سوره

تأثیرگذارترین عناصر برون‌متنی سوره‌ها در کشف غرض سوره فضای نزول سوره است. فضای نزول شرایط ویژه‌ای است که در مدت نزول يك سوره در جامعه عصر نزول وجود داشته است.<sup>۳</sup> هر سوره قرآن دارای یک فضای نزول ویژه است که با توجه بدان می‌توان به غرض سوره راه یافت؛ زیرا فضای نزول حاکی از چالشی است که سوره درصدد مواجهه با آن است و این امر همان غرض و هدف اصلی از نزول سوره است؛ برای نمونه علامه طباطبایی نیز با تکیه به فضای نزول سوره «آل عمران» درباره هدف اصلی این سوره می‌گوید: «غرض اصلی از این سوره دعوت نمودن مؤمنان است به اینکه در حمایت دین الهی توحید کلمه داشته باشند. زمان نزول آن در اوقاتی بوده که مسلمانان به تمامی قوا به دفاع دینی اشتغال داشتند و در این راه کوشش می‌کردند، در این روزها کم‌کم داشت صدای اسلام در دنیا منتشر می‌شد؛ لذا خداوند متعال در این سوره بعضی از حقایق دینش را به مؤمنین تذکر داده تا قلب آنان را پاکیزه کند و رنگ شبهات و وسوسه‌ها و فریبکاری اهل کتاب را از دشمنان بزدايد. همچنین برای آنان روشن ساخته که خداوند از تدبیر مُلکش، آبی غافل نشده و در برابر اقدامات مخلوقات خود عاجز نیست.» (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۲/۳)

## مرحله چهارم: دفاع از غرض کشف شده

با رعایت قواعد ششگانه فوق، غرض اصلی سوره به روش استدلالی و نظام‌مند مشخص می‌شود. پس از آن نوبت دفاع از غرض کشف شده در برابر سایر غرض‌هایی است که مفسران برای سوره ذکر کرده‌اند. این اقدام از دو جهت ضرورت دارد: نخست آنکه با توجه به اینکه هر سوره تنها یک غرض اصلی دارد، اگر غرض سوره به درستی کشف شده باشد باید بتوان از آن در برابر سایر دیدگاه‌هایی که غرض‌های متفاوتی برای سوره مطرح کرده‌اند دفاع کرد و نادرستی

۱. نك: جوینیاری، ۱۳۹۹ ق: ۴۱ / ۲۵۳.

۲. نك: البقاعی، ۱۴۱۵ ق: ۸ / ۶۲.

۳. نك: جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱ / ۲۳۶.

قواعد کشف غرض سوره‌های قرآن با مطالعه موردی سوره نبأ / خامه‌گر ۳۱۵

سایر غرض‌های ادعا شده را ثابت کرد. دومین امری که ارزیابی دیدگاه‌های مخالف غرض کشف شده را ضروری می‌سازد این است که، چه‌بسا در مراحل تحلیل نظرات دیگران متوجه نکاتی شویم که هنگام کشف غرض از آنها غافل بوده‌ایم؛ به این ترتیب با رعایت این نکات غرض کشف شده را متقن‌تر نماییم.

### مبحث دوم: کشف استدلالی غرض سوره نبأ

پس از تبیین مراحل کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن برای نمونه با طی نمودن مراحل چهارگانه فوق غرض سوره نبأ را کشف می‌کنیم تا مهارت لازم برای کشف غرض سوره‌های قرآن برای خوانندگان این مقاله ایجاد شود. غرض اصلی سوره نبأ بیانگر این حقیقت است که برخلاف پندار مشرکان برپایی روز قیامت امری حکیمانه است و نظام کيفر و پاداش کاملاً عادلانه است. مراحل کشف استدلالی غرض سوره نبأ و اثبات صحت غرض ذکر شده به شرح زیر است:

#### مرحله اول: سیاق‌بندی استدلالی آیات سوره نبأ

بررسی کیفیت ارتباط لفظی و محتوایی آیات سوره نبأ نشان می‌دهد که این سوره از چهار گفتار تشکیل شده است:

#### گفتار اول: آیات ۱ تا ۵

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ (۱) عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ (۲) الَّذِي هُمْ فِيهِ مَخْتَلِفُونَ (۳) كَلَّا سِغْلَمُونَ (۴) ثُمَّ كَلَّا سِغْلَمُونَ (۵))

عوامل پیوستگی لفظی و معنوی آیات سیاق اول بدین شرح است: در آیه دوم (عن النبأ) متعلق به فعل محذوفی است که کلمه «یتساءلون» در آیه اول بر آن دلالت می‌کند. آیه سوم (الَّذِي هُمْ فِيهِ مَخْتَلِفُونَ) صفت دوم برای کلمه (النبأ) در آیه دوم است. آیات چهارم و پنجم با حرف عاطفه «ثُمَّ» به هم متصل‌اند و آیه پنجم تأکید بر آیه چهارم است؛ این دو آیه با حرف ردع «كَلَّا» به آیات قبل پیوند می‌خورند.

ارتباط معنایی آیات این سیاق بدین‌گونه است که در این آیات بر نادرستی سؤال انکارآمیز و تمسخرآمیز کافران از قیامت که در آیه نخست مطرح شده بود تأکید می‌شود. ساختار معنایی حاکم بر این سیاق ساختار پرسش و پاسخ است. آیه نخست طرح پرسش است؛ آیه دوم و سوم پاسخ به این پرسش است و آیات چهارم و پنجم تأکید بر نابه‌جا بودن این پرسش انکارآمیز است.

### گفتار دوم: آیات ۶ تا ۱۶

(أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا (۶) وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا (۷) وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا (۸) وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُباتًا (۹) وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِيَاسًا (۱۰) وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا (۱۱) وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا (۱۲) وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا (۱۳) وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَبَّاجًا (۱۴) لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا (۱۵) وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا (۱۶))

با توجه به اینکه آیه ششم با هیچ یک از عوامل پیوستگی ادبی یعنی حروف ربط، ساختارهای نحوی و اسلوب‌های بیانی به آیات قبل مرتبط نیست و انفصال کامل ادبی با آیات قبل دارد، بنابراین سرآغاز سیاق دوم است. عوامل پیوستگی لفظی و معنوی آیات سیاق دوم به شرح زیر است: آیات این سیاق از دو جهت با یکدیگر ارتباط ادبی دارند: یکی اشتراک در اسلوب صیغه متکلم مع الغیر؛ دوم وجود حرف عاطفه «واو» بین آنها. غیر از آیه پانزدهم که با واو عطف شروع نمی‌شود، اما «لنخرج به» در آیه پانزدهم تعلیل «أَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً» در آیه چهاردهم است.

ساختار معنایی حاکم بر گفتار دوم سوره نبأ ساختار مدعا و دلیل است. در آیات این گفتار برای اثبات حکیمانه بودن برپایی معاد به چهار تدبیر حکیمانه خداوند در زندگی دنیوی انسان‌ها اشاره شده است.

### گفتار سوم: آیات ۱۷ تا ۳۹

ارتباط آیه هفدهم (إِنَّ يَوْمَ الْقَاصِلِ كَانَ مِيقَاتًا) از سه جهت با آیات قبل قطع شده است: نخست آنکه، حرف تأکید «إِنَّ» معمولاً بر شروع سیاق جدید دلالت دارد، مگر آنکه برای تعلیل مطلبی که در آیه قبل ذکر شده بیاید؛ دوم آنکه از جهت ادبی هیچ یک از عوامل سه گانه ارتباط ادبی یعنی حروف ربط، ساختار نحوی و اسلوب بیانی بین این آیه با آیات قبل وجود ندارد؛ سوم آنکه ارتباط معنایی این آیات با آیات قبلی نیز قطع شده و در آیه هفدهم یکی دیگر از تدبیرهای حکیمانه خداوند بیان نشده است.

آیات سیاق سوم از چهار مطلب تشکیل شده است: نشانه آغاز سه مطلب آن در این سیاق تکرار حرف «إِنَّ» است و آیات ۱۷، ۲۱ و ۳۱ و ۳۷ آغاز سیاق‌های سوره هستند. تشابه اسلوبی مطالب این سیاق به ضمیمه تشابه در جهت‌گیری محتوایی دسته آیات نشانگر وحدت سیاق آیات چهار مطلب سیاق است.

### دسته اول: آیات ۱۷ تا ۲۰

(إِنَّ يَوْمَ الْقَاصِلِ كَانَ مِيقَاتًا (۱۷) يَوْمَ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا (۱۸) وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا (۱۹) وَسِيرَتِ الْجِبَالِ فَكَانَتْ سَرَابًا (۲۰))

قواعد کشف غرض سوره‌های قرآن با مطالعه موردی سوره نبا / خامه گر ۳۱۷

ارتباط لفظی آیات این دسته بدین گونه است که کلمه «يَوْمَ» در ابتدای آیه هجدهم بدل از «يَوْمَ» در آیه هفدهم است. فعل «فُتِحَتْ» در ابتدای آیه نوزده با حرف عاطفه «واو» به «يُنْفَخُ» در آیه هجده عطف می‌شود و فعل «سیرت» در ابتدای آیه بیستم نیز با حرف عاطفه «واو» به «يُنْفَخُ» در آیه هجدهم عطف می‌شود. ارتباط معنایی آیات این دسته هم بدین گونه است که همه آیات درباره حوادثی است که در آستانه برپایی قیامت رخ می‌دهد.

دسته دوم: آیات ۲۱ تا ۳۰

(إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا (۲۱) لِلطَّاعِينَ مَتَابًا (۲۲) لَا يَشِينُ فِيهَا أَحْقَابًا (۲۳) لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَ لَا شَرَابًا (۲۴) إِلَّا حَمِيمًا وَ غَسَاقًا (۲۵) جَزَاءً وَفَاةً (۲۶) إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا (۲۷) وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا (۲۸) وَ كُلُّ شَيْءٍ أَخْضَيْنَاهُ كِتَابًا (۲۹) فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا (۳۰))

ارتباط لفظی آیات در دسته دوم بدین گونه است: جار و مجرور «لِلطَّاعِينَ» در آیه بیست و دوم متعلق به «مِرْصَادًا» در آیه بیست و یکم است. در آیات ۲۳ و ۲۴ ضمیر «فیها» به جهنم در آیه بیست و یکم رجوع می‌کند و این آیات حال از «طَاعِينَ» در آیه بیست و دوم است. آیه بیست و پنجم نیز استثنا از «شَرَابًا» آیه قبل است. آیه بیست و ششم مفعول له برای دو آیه قبل است. ضمیر «إِنَّهُمْ» در آیه بیست و هفتم به طاعین آیه بیست و دوم برگشته و تعلیل آیات ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ است. آیه بیست و هشتم با واو عطف به قبل مرتبط شده است. آیه بیست و نهم با آیات قبل ارتباط لفظی ندارد ولی ارتباط معنایی دارد و بیانگر علت ورود طاعین به جهنم است. فاء تفریع در اول آیه سی ام، نتیجه‌گیری از آیه بیست و نهم است. ارتباط معنایی آیات این دسته بدین گونه است که همه آیات درباره کیفیت عذاب طغیانگران در روز رستاخیز است.

دسته سوم: آیات ۳۱ تا ۳۶

(إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا (۳۱) حَدَائِقَ وَ أَعْنَابًا (۳۲) وَ كَوَاعِبَ أَثْرَابًا (۳۳) وَ كَأْسًا دِهَاقًا (۳۴) لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَ لَا كِذَابًا (۳۵) جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا (۳۶))

ارتباط لفظی این آیات بدین گونه است که کلمه «حَدَائِقَ» در آیه سی و دوم بدل از «مَفَازًا» در آیه سی و یکم است و آیات ۳۳ و ۳۴ با حرف عاطفه «واو» به آیه سی و دوم پیوند می‌خورند. ضمیر جمع در کلمه «لَا يَسْمَعُونَ» آیه سی و پنجم به لفظ «مُتَّقِينَ» در آیه سی و یکم بازمی‌گردد. «جَزَاءً» در آیه سی و ششم مفعول له برای آیات قبل است. ارتباط معنایی آیات این دسته بدین گونه است که همه آیات درباره کیفیت پاداش متقین در روز رستاخیز است.

دسته چهارم: آیات ۳۷ تا ۳۹

(رَّبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَاباً (۳۷) يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أُذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَاباً (۳۸) ذَلِكَ الْيَوْمَ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَتَاباً (۳۹))

کلمه «رب» در آیه سی و هفتم، بدل از «ربك» در آیه قبل است و «یوم» در آیه سی و هشتم طرف «لا یملكون» در آیه سی و هفتم است و «ذلک الیوم» در آیه سی و نهم، توضیح دیگری از همان «یوم» آیه قبل است. با توجه به اینکه واژه «رب» در «رَّبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» بدل از «رب» در آیه «جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَاباً» است، آیات این دسته با آیات دسته قبل ارتباط لفظی دارد اما از نظر معنایی دسته آیات قبلی به هماهنگی و پاداش اهل تقوا اختصاص دارد و این دسته آیات به حکیمانه بودن جزای اعمال متقین و طاغین اشاره دارد؛ و از آنجاکه در دسته بندی آیات ارتباط معنایی بر ارتباط لفظی مقدم است آیات ۳۷ تا ۳۹ در یک دسته قرار داده شده‌اند.

ساختار معنایی حاکم بر سیاق سوم ساختار تقابل و تضاد است، بدین گونه که مجموع آیات درباره توصیف کیفیت پاداش مؤمنان و عذاب کافران سرکش در روز قیامت است.

گفتار چهارم: آیه ۴۰

(إِنَّا أَنْزَلْنَاكُمْ عَذَاباً قَرِيباً يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاؤُهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَلَيْتَنِي كُنْتُ ثَرِيًّا (۴۰))

آخرین آیه این سوره یک گفتار مستقل است؛ چراکه هیچ ارتباط ادبی به قبل ندارد. این آیه به تتهایی یک سیاق مستقل است. انفصال لفظی آیه به خاطر شروع آن با لفظ «إِنَّا» است که بر شروع جمله جدید اشاره دارد و از سوی دیگر به دلیل انفصال لفظی و معنایی با آیات پیشین نشان می‌دهد که سیاق جداگانه‌ای است.

مرحله دوم: عنوان گذاری سیاق‌های سوره نبأ

سوره نبأ از چهار سیاق تشکیل شده است. با توجه به جهت‌گیری محتوایی مطالب هر سیاق و قواعد عنوان‌بندی گفتارهای عرضی و طولی عنوان‌های مناسب هر سیاق سوره که گفتار نامیده می‌شود به شرح زیر است:

گفتار اول: نادرستی بهانه جویی کافران درباره ضرورت برپایی قیامت

در گفتار اول سوره نبأ دو مطلب بیان شده است: در مطلب اول آیات ۱-۳ بهانه‌جویی مستمر کافران برای انکار ضرورت برپایی قیامت بیان شده است و در مطلب دوم (آیات ۴ و ۵) با ذکر حرف ردع «کلا» این حقیقت بیان شده است که بهانه‌های کافران برای انکار قیامت نادرست است و بهزودی با

قواعد کشف غرض سوره‌های قرآن با مطالعه موردی سوره نبا / خامه‌گر ۳۱۹

فرارسیدن زمان مرگشان و برپایی قیامت به حقانیت معاد پی می‌برند. با توجه به اینکه ساختار لفظی این گفتار ساختار ردع و انکار است و در ساختار ردع مطلبی که پس از «کلا» اثبات می‌شود اصل کلام است، در نتیجه عنوان این گفتار طولی با توجه به محتوای مطلب دوم بیان شده است.

گفتار دوم: تدابیر حکیمانه خدا در نظام آفرینش، نشانه حکیمانه بودن برپایی معاد

در گفتار دوم سوره نبا (آیات ۶ تا ۱۶) برای پاسخگویی به شبهات کافران درباره غیرعادلانه بودن نظام پاداش و کیفر روز قیامت و اثبات حکیمانه بودن برپایی معاد، ۹ نمونه از تدابیر حکیمانه خداوند در نظام آفرینش دنیوی بیان شده است تا به منکران قیامت اعلام کند همان‌گونه که همه تدابیر و اقدامات خداوند در دنیا حکیمانه است، اقدامات خداوند در روز قیامت برای پاداش دادن به مؤمنان و عذاب کردن کافران نیز عادلانه و حکیمانه است. تدابیر حکیمانه ذکر شده در این گفتار به ترتیب آیات سیاق دوم به شرح زیر است:

۱- (آیه ۶) تدبیر حکیمانه خداوند برای آماده کردن زمین برای زندگی انسان‌ها؛

۲- (آیه ۷) تدبیر حکیمانه خداوند در استوار کردن کوه‌های بزرگ در کره زمین؛

۳- (آیه ۸) تدبیر حکیمانه خداوند در آفرینش انسان‌ها به صورت زن و مرد که زوج‌هایی هستند که مکمل یکدیگرند؛

۴- (آیه ۹) تدبیر حکیمانه خداوند در قرار دادن خواب به عنوان عامل آرامش انسان بعد از فعالیت روزانه؛

۵- (آیه ۱۰) تدبیر حکیمانه خداوند در قرار دادن تاریکی شب به عنوان پوششی فراگیر بر کره زمین؛

۶- (آیه ۱۱) تدبیر حکیمانه خداوند در قرار دادن روز به گونه‌ای که امکان تلاش برای اداره زندگی در آن فراهم باشد؛

۷- (آیه ۱۲) تدبیر حکیمانه خداوند در آفرینش طبقات هفت‌گانه آسمان به بهترین شکل بالای سر انسان‌ها؛

۸- (آیه ۱۳) تدبیر حکیمانه خداوند در آفرینش خورشید به گونه‌ای که نوری ثابت و بسیار درخشنده دارد و انرژی مورد نیاز زمین را تأمین کند؛

۹- (آیه ۱۶-۱۴) تدبیر حکیمانه خداوند در ریزش آب از ابرهای متراکم و باران‌زا برای رویش دانه‌های خوراکی، گیاهان خوردنی و انواع میوه‌ها برای تأمین غذای مورد نیاز انسان‌ها.

با توجه به اینکه مطالب ذکر شده در این گفتار در عرض یکدیگر هستند و هیچ‌کدام فرع بر دیگری نیست، از این رو برای تعیین جهت هدایتی این سیاق و گزینش عنوان مناسب برای آن با جمع‌بندی محتوای همه مطالب ذکر شده عنوان «تدابیر حکیمانه خدا در نظام آفرینش، نشانه حکیمانه بودن برپایی معاد است»، برای این گفتار قرار داده شد.

#### گفتار سوم: دلایل عادلانه بودن پاداش و کیفر انسان‌ها در روز قیامت

گفتار سوم سوره نبا (آیات ۱۷-۳۹) از چهار مطلب تشکیل شده است و در هر مطلب برای اثبات عادلانه بودن نظام پاداش و کیفر انسان‌ها در روز قیامت یک دلیل ارائه شده است.

در مطلب اول (آیات ۱۷-۲۰) به کیفیت برپایی روز قیامت که روز جدایی مؤمنان از کافران است اشاره شده است، تا این حقیقت بیان شود که اقتضای عدالت الهی این است که انسان‌های ظالم و گناهکار تا ابد همانند مؤمنان نیکوکار از نعمت‌های الهی استفاده نمی‌کنند.

در مطلب دوم (آیات ۲۱-۳۰) دومین دلیلی که نشانه عادلانه بودن نظام پاداش و کیفر در سرای دیگر است بیان شده و بدین منظور کیفیت عذاب طغیانگران در جهنم توصیف شده و با ذکر عبارت «جَزَاءٌ وِفَاقًا» بر این حقیقت تأکید شده است که عذاب‌های کافران در دوزخ نشانه ظلم خدا به آنان نیست؛ زیرا این عذاب‌ها با عقاید آنان و گناهانی که در دنیا مرتکب شدند، کاملاً هماهنگ و مطابق است.

در مطلب سوم (آیات ۳۱-۳۶) سومین دلیلی که نشانه عادلانه بودن نظام پاداش و کیفر در سرای دیگر است بیان شده و بر این حقیقت تأکید شده که در روز قیامت پاداش مؤمنان با تقوا که از ارتکاب هر کار حرام و خلافی اجتناب می‌کردند نیز کاملاً با اعمالشان هماهنگ است.

در مطلب چهارم (آیات ۳۷-۳۹) سومین دلیلی که نشانه عادلانه بودن نظام پاداش و کیفر در سرای دیگر است بیان شده و بر این حقیقت تأکید شده که در روز قیامت هیچ‌کس به پاداش و کیفر الهی اعتراض نمی‌کند و مؤمنان و کافران و فرشتگان بر حکیمانه و عادلانه بودن پاداش‌ها و کیفر اعتراف می‌کنند.

مطالب ذکر شده در این گفتار در عرض یکدیگرند و هیچ‌کدام فرع بر دیگری نیست؛ از این رو برای تعیین جهت هدایتی این سیاق و گزینش عنوان مناسب برای آن با جمع‌بندی محتوای همه مطالب ذکر شده عنوان «دلایل عادلانه بودن پاداش و کیفر انسان‌ها در روز قیامت» برای این گفتار قرار داده شد.

### گفتار چهارم: هشدار به منکران روز قیامت

گفتار چهارم (آیه ۴۰) هشدار برای همه انسان‌هاست که مبادا با غفلت از روز قیامت گرفتار عذاب آن روز شوید. مواظب باشید جزء گروهی نباشید که خاک شدن در آن روز را آرزو می‌کنند؛ به این ترتیب عنوان مناسب این گفتار نیز «هشدار به منکران روز قیامت» است.

#### مرحله سوم: کشف غرض سوره نبا

پس از سیاق‌بندی آیات سوره نبا و مشخص نمودن عناوین گفتارها با طی نمودن چهار گام و رعایت قواعد کشف غرض سوره‌ها، غرض اصلی این سوره شناسایی می‌شود.

#### گام اول: جمع‌بندی عناوین سیاق‌ها

برای کشف غرض سوره از طریق جمع‌بندی عناوین گفتارها ابتدا باید مشخص شود که آیا گفتارهای سوره در عرض یکدیگرند یا آنکه یکی از آنها اصل است و بقیه فرع بر آن هستند. با مقایسه عناوین چهار گفتار سوره مبارکه نبا با یکدیگر ثابت می‌شود که رابطه عناوین گفتارهای این سوره به شرح زیر است:

گفتار اول که درباره نادرستی بهانه‌جویی کافران درباره عدم ضرورت برپایی قیامت است، مقدمه گفتارهای دوم و سوم سوره است؛ و گفتار دوم سوره که درباره تدابیر حکیمانه خدا در نظام آفرینش است و گفتار سوم سوره که درباره دلایل عادلانه بودن پاداش و کیفر انسان‌ها در روز قیامت است، گفتارهای اصلی سوره نبا هستند و گفتار چهارم سوره که درباره هشدار به منکران روز قیامت است، نتیجه‌گیری از گفتار دوم و سوم است. با توجه به اینکه گفتار دوم و سوم سوره نبا گفتارهای اصلی سوره هستند، با جمع‌بندی عنوان این دو گفتار، غرض سوره نبا عبارت است از: اثبات حکیمانه بودن برپایی روز قیامت و عادلانه بودن نظام پاداش و کیفر.

#### گام دوم: بررسی مشترکات گفتارهای سوره

برای کسب اطمینان از صحت غرضی که با توجه به عناوین گفتارها به دست آمده است، باید مشترکات لفظی و محتوایی عبارات و مطالب موجود در گفتارهای اصلی سوره را بررسی نمود. از این رو در این مرحله به بررسی مشترکات لفظی و معنایی گفتارهای دوم و سوم سوره نبا و مقایسه آنها با غرض کشف شده می‌پردازیم. این مشترکات به شرح زیر است: در گفتار دوم سوره نبا حکیمانه بودن ۹ تدبیر الهی در نظام آفرینش بیان شده است؛ و در گفتار سوم سوره چهار دلیل برای اثبات عادلانه بودن و حکیمانه بودن پاداش و عذاب انسان‌ها در روز قیامت بیان شده است. با توجه به این موضوع مشترک

میان دو گفتار اصلی سوره نبأ معلوم می‌شود که انتخاب غرض اصلی سوره با عنوان «اثبات حکیمانه بودن برپایی روز قیامت و عادلانه بودن نظام پاداش و کیفر» به‌درستی صورت گرفته است.

گام سوم: بررسی میزان هماهنگی غرض کشف شده با عناصر درون‌متنی سوره نبأ

بررسی عناصر درون‌متنی سوره مبارکه نبأ که با پیام اصلی سوره ارتباط دارند، نشان می‌دهد که آنچه به‌عنوان غرض سوره مطرح شد، با این عناصر هماهنگ است. بعضی از عناصر درون‌متنی مؤید غرض سوره به شرح زیر است:

#### الف- آیات آغازین و پایانی سوره

سوره نبأ با نکوهش کافرانی که روز رستاخیر را انکار می‌کنند آغاز می‌شود و حتمی بودن روز قیامت را اعلام می‌کند؛ سپس با ارائه استدلال‌های گوناگون، بر حقانیت روز قیامت و حکیمانه بودن نظام پاداش و کیفر آن تأکید می‌کند؛ و در انتها به کافرانی که این امر حکیمانه را انکار می‌کنند، هشدار می‌دهد که اگر به این رفتار خود ادامه دهند در روز قیامت، وقتی بنابر حکمت الاهی هرکس نتیجه اعمالش را مشاهده می‌کند، آنان به شدت دچار پشیمانی شده و می‌گویند: «ای کاش خاک بودم و هیچ‌گاه به دنیا نمی‌آمدم تا قیامت را انکار کنم و امروز به این عذاب دچار شوم.» به این ترتیب آیات آغازین و پایانی این سوره درباره یک موضوع مشترک یعنی مقابله با کسانی است که حکیمانه بودن خبر برپایی روز قیامت را انکار می‌کنند و این مفهوم با آنچه به‌عنوان غرض سوره گفته شد یعنی «اثبات حکیمانه بودن قیامت»، کاملاً هماهنگ است.

#### ب- تعداد آیات مربوط به حکیمانه بودن قیامت در سوره نبأ

۳۴ آیه از سوره نبأ که ۴۰ آیه دارد، به‌طور مستقیم با مسئله حکیمانه بودن روز قیامت ارتباط دارند. از جمله آیات ۶ تا ۱۶ که درباره تدابیر حکیمانه خدا در نظام آفرینش و آیات ۱۷ تا ۳۹ که درباره دلایل عادلانه بودن پاداش و کیفر انسان‌ها در روز قیامت است. در نتیجه ۸۵ درصد آیات سوره به این موضوع اختصاص دارد.

گام چهارم: بررسی میزان هماهنگی غرض کشف شده با عناصر برون‌متنی سوره نبأ

بررسی عناصر برون‌متنی سوره مبارکه نبأ که با پیام اصلی سوره ارتباط دارند، نشان می‌دهد که آنچه به‌عنوان غرض سوره مطرح شد، با این عناصر هماهنگ است. یکی از این عناصر برون‌متنی که مؤید غرض سوره است، هماهنگی غرض سوره نبأ با فضای نزول آن است؛ بدین شرح که:

سوره نبأ هشتادمین سوره نازل شده بر قلب مبارک پیامبر است که پس از سوره‌های ملک (۷۷)، الحاقه (۷۸) و معارج (۷۹) نازل شده است.<sup>۱</sup> خداوند در سه سوره‌ای که قبل از سوره نبأ نازل

قواعد کشف غرض سوره‌های قرآن با مطالعه موردی سوره نبا / خامه‌گر ۳۲۳

شده است، توجه مردم را به خشیت از پروردگار و ترس از روز رستاخیز، اجتناب از تکذیب روز جزا و قطعی بودن عذاب مجرمان در قیامت جلب کرد. محتوای سه سوره نازل شده قبل از سوره نبا بیانگر این حقیقت است که سوره نبا در شرایطی نازل شده است که کافران شبهات بسیاری برای اثبات عدم حقانیت برپایی معاد و غیرحکیمانه بودن و ظالمانه بودن پاداش‌ها و عذاب‌های الهی در روز قیامت مطرح می‌کردند. در این شرایط خدای سبحان سوره مبارکه نبا را نازل کرده و حکیمانه بودن برپایی قیامت و عادلانه بودن نظام پاداش و کیفر را برای عموم مخاطبان اثبات نمود تا شبهات کافران تأثیر منفی در جامعه نداشته باشد.

#### مرحله چهارم: دفاع از غرض کشف شده

رایج‌ترین دیدگاه درباره غرض سوره نبا در میان مفسران این است که سوره نبا درصدد اثبات قدرت خدا در برپایی قیامت و احیای مجدد انسان‌هاست. مفسرانی که طرف‌دار این غرض برای سوره نبا هستند، این نکته را با عبارات مختلف بیان کرده‌اند. برخی مفسران به‌طور کلی اثبات قدرت خدا برای برانگیختن انسان‌ها در روز قیامت را غرض سوره دانسته‌اند.<sup>۱</sup> برخی مفسران نیز در توضیح غرض سوره نبا گفته‌اند: خدایی که نظام متقن فعلی را به وجود آورده، می‌تواند آن را در شکل دیگر و شرایط دیگری که همان قیامت است به وجود بیاورد.<sup>۲</sup>

برخی مفسران نیز شمارش مظاهر قدرت خدا در آفرینش موجودات مختلف در این سوره را در راستای اقامه دلیل بر امکان احیای مجدد انسان‌ها بعد از مرگ دانسته‌اند.<sup>۳</sup>

مفسرانی که این غرض را برای سوره نبا در نظر گرفته‌اند دو دلیل برای آن ذکر کرده‌اند؛ برخی به سیاق آیات ۶ تا ۱۶ سوره استدلال کرده‌اند که درباره قدرت خدا در آفرینش موجودات و اداره کردن آنهاست.<sup>۴</sup>

اشکال این استدلال این است که به فرض آنکه آیات ۶ تا ۱۶ این سوره درصدد اثبات قدرت خدا باشد، در این صورت غرضی که تنها مربوط به آیات یک سیاق از سوره است به عنوان غرض کل سوره در نظر گرفته شده است و از جهت‌گیری سایر آیات سوره که درباره عادلانه بودن پاداش مؤمنان و عذاب کافران در روز قیامت است غفلت شده است.

در تفسیر مراغی برای اثبات این نکته که غرض سوره نبا اثبات قدرت خدا در برپایی قیامت است، به محتوای سوره مرسلات که قبل از سوره نبا قرار دارد استناد شده و مراغی گفته است

۱. نک: فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق: ۸/۲۴؛ مراغی، بی‌تا: ۳/۳۰؛ میدانی، ۱۳۶۱: ۱۵/۹.

۲. نک: قرشی بنایی، ۱۳۷۷: ۱۲/۲۸.

۳. نک: زحیلی، ۱۴۱۸ ق: ۶/۳۰؛ دروزه، ۱۳۸۳ ق: ۵/۴۰۴؛ صابونی، ۱۴۲۱ ق: ۳/۴۸۱.

۴. نک: زحیلی، ۱۴۱۸ ق: ۶/۳۰.

چون در سوره قبله از تکذیب معاد توسط کافران سخن به میان آمده بود در این سوره به اثبات قدرت خدا بر احیای مجدد انسانها در روز قیامت تأکید شده است.<sup>۱</sup>

اشکال این استدلال این است که: اولاً، هیچ دلیل علمی برای اثبات این نکته وجود ندارد که غرض هر سوره مکمل غرض سوره قبل است؛ و ثانیاً، غرض سوره مرسلات که آیه «وَيَلْ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ» در آن ده بار تکرار شده است، بیان عذاب شدید کافرانی است که وعده خدا مبنی بر پاداش مؤمنان و عذاب کافران در روز قیامت را تکذیب می‌کنند. بنابراین اگر غرض سوره نأ مکمل غرض سوره مرسلات باشد، سوره نأ بیانگر این حقیقت است که پاداش مؤمنان و عذاب کافران در روز قیامت که انکار حقانیت توسط کافران آن در سوره مرسلات بیان شده، امری کاملاً حکیمانه و عادلانه است. با توجه به اینکه سایر غرض‌های ذکر شده برای سوره نأ در تفاسیر هم با سیاق سوره هماهنگ نیست و هم دلیل علمی بر اثبات آنها وجود ندارد، بنابراین هیچ‌یک از دیدگاه‌های مختلف درباره غرض سوره نأ نمی‌تواند غرض کشف شده به روش استدلالی در این مقاله را تضعیف کند.

### نتیجه‌گیری

با بررسی فرایند کشف غرض سوره‌های قرآن به روش استدلالی و شناسایی غرض سوره نأ با این روش سه نتیجه مهم گرفته می‌شود:

۱- با بررسی روش‌های مختلف برای کشف غرض سوره‌های قرآن مشخص می‌شود که علمی‌ترین و متقن‌ترین روش کشف غرض سوره، روش استدلالی است که بر قواعد عقلایی محاوره استوار است و در آن با طی نمودن چهار مرحله غرض سوره با توجه به جهت‌گیری محتوایی سوره و عناصر درون‌متنی و برون‌متنی سوره کشف می‌شود.

۲- رویکرد توصیفی برای شناسایی غرض سوره‌های قرآن که صرفاً براساس سلیقه شخصی مفسر است، ارزش علمی ندارد.

۳- کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن بدون توجه کامل به سیاق‌بندی آیات سوره و همه عناصر درون‌متنی و برون‌متنی و عدم رعایت قواعد مرتبط با فرایند کشف غرض سوره قابل قبول نیست؛ از این رو دیدگاه مفسرانی که غرض سوره نأ را اثبات قدرت خدا در برپایی روز قیامت و احیای مجدد انسانها ذکر کرده‌اند، صحیح نیست.

۱. نك: مراغی، بی‌تا: ۳۰ / ۳.

قواعد كشف غرض سوره‌های قرآن با مطالعه موردی سوره نبا / خامه گر ۳۲۵

## کتاب‌نامه

- الهی‌زاده، محمدحسین (۱۳۹۳)، درسنامه تدبر در قرآن جزء ۲۹، چاپ اول، مشهد: مؤسسه فرهنگی تدبر در قرآن و سیره.
- الهی‌زاده، محمدحسین (۱۳۹۴)، درسنامه تدبر ترتیبی در سوره‌های قرآن کریم، چاپ اول، مشهد: مؤسسه فرهنگی تدبر در قرآن و سیره.
- بقاعی، ابراهیم‌بن عمر (۱۴۲۷ ق)، نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، الطبعة الثالثة، بیروت: دارالکتب العلمية.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، تفسیر تسنیم، چاپ اول، قم: مؤسسه اسراء.
- حسینی، سیدعلی‌اکبر (۱۳۹۴)، نقد نظریه وحدت موضوعی سوره‌های قرآن، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- خامه‌گر، محمد (۱۳۸۳)، ساختار هندسی سوره‌های قرآن، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- خامه‌گر، محمد (۱۳۹۶)، قواعد كشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- دروزة، محمدعزه (۱۳۸۳ ق)، التفسیر الحديث، الطبعة الأولى، قاهره: دارالإحياء الكتب العربية.
- رستگار جویباری، یعسوب‌الدین (۱۳۹۹ ق)، تفسیر البصائر، الطبعة الأولى، قم: المطبعة الإسلامية.
- زحیلی، وهبة‌بن مصطفى (۱۴۱۸ ق)، التفسیر المنیر فی العقيدة و الشريعة و المنهج، الطبعة الثانية، بیروت: دارالفکر المعاصر.
- صابونی، محمدعلی (۱۴۲۱ ق)، صفة التفاسیر، الطبعة الأولى، بیروت: دارالفکر.
- صوحی طسوجی، علی (۱۳۸۸)، راهنمای مربی تدبر در سوره‌های قرآن کریم، چاپ اول، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، الطبعة الأولى، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
- فضل‌الله، سیدمحمدحسین (۱۴۱۹ ق)، تفسیر من وحی القرآن، الطبعة الثانية، بیروت: دارالملاک للطباعة و النشر.
- قرشی بنایی، سیدعلی‌اکبر (۱۳۷۷)، تفسیر احسن الحديث، الطبعة الثالثة، تهران: بنیاد بعثت.
- مراغی، احمدبن مصطفى (بی‌تا)، تفسیر المراغی، الطبعة الأولى، بیروت: دارالفکر.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۱)، علوم قرآنی، چاپ اول، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
- میدانی، عبدالرحمن حسن حبنکه (۱۳۶۱)، معارج التفکر و دقائق التدبر، الطبعة الأولى، دمشق: دارالقلم.
- (موجود در نرم‌افزار جامع التفاسیر ۳)